

موانع داخلی و خارجی

پایان ماموریت احمدی نژاد

شمارش معکوس ماه های اقامت چهارساله احمدی نژاد در کاخ ریاست جمهوری آغاز شده است. نشانه هائی از نزدیک شدن به وحدت نظر برای مرخص کردن او در مجموع حاکمیت بروز و ظهور کرده است. هم در میان روحانیون و هم در میان غیر روحانیون و حتی برخی فرماندهان سپاه - از جمله سرلشکر فیروزآبادی- که تا همین اواخر بی پروا در مجامع عمومی از او حمایت می کردند. ماجرا آفرینی های 3 سال و اندی او هزینه هائی ملی را به مردم ایران تحمیل کرد و با همه کوششی که برای محدود کردن حوزه عمل و اختیارات او برای باقی مانده دوران اولیه ریاست جمهوری اش می شود، همچنان باید نگران نقش آفرینی های منفی داخلی و خارجی او بود. اتفاقا هرچه تدابیر برای محدود کردن او بیشتر می شود و موقعیت او در حاکمیت بیشتر تضعیف می شود، او برای مقاومت، بر ادعاهای عدالت طلبی و مقابله با مفاسد اقتصادی و تبلیغ پیوندش با امام زمان می افزاید تا بلکه صحنه سازی دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری را زنده کند و برای 4 سال دیگر هم رئیس قوه مجریه بماند. کسانی که فیلم سخنرانی او را برای طلاب مشهد دیده باشند و سخنرانی های آیت الله خمینی را بخاطر داشته باشند با ترفند جدیدی از جانب او روبرو می شوند که قطعاً محصول یک کار مشترک و تیمی در همان محافل مافیائی است که او را به ریاست جمهوری رساندند. لغات و اصطلاحات ویژه و حتی حرکات بسیار کم صورت آیت الله خمینی و شمرده گوئی و خونسردی بی نظیرش هنگام ایراد مهم ترین سخنرانی ها از ویژگی های او بود. کسانی که این سخنرانی ها را به یاد داشته باشند، به آسانی متوجه می شوند که احمدی نژاد مانند یک هنرپیشه تئاتر در این سخنرانی سعی کرده است به سبک آیت الله خمینی صحبت کند. این تقلید به گونه ای انجام شده که تردید نیست او یک دوره کامل تمرین را برای این هدف در خفا گذرانده است. این، تنها نمونه ایست از تلاش های جدید او با هدف عوامفریبی و رفتن به سوی انتخابات آینده ریاست جمهوری. ما می توانیم لیست بلند بالائی از عوامفریبی های او را در اینجا ذکر کنیم. همچنان که بحران هائی را که در این مدت در داخل و خارج کشور آفریده بر شمریم. اما کیست که نداند مافیای حجتیه در جمهوری اسلامی پس از رسوخ در رگ و پی نظامی و روحانی و سیاسی جمهوری اسلامی او را پیش انداخت تا به کمک حزب 300 هزار نفره ای که احمد جنتی با بودجه شورای نگهبان راه انداخت از درون چاه های دو قلوی جمکران بیرون آمده و سخنگوی سیاست جنگی- اتمی حاکمیت این مافیا شود. وقتی احمدی نژاد در سخنرانی خود برای طلاب مشهد اعلام کرد که "ای کاش 200 هزار میلیارد دلار واردات داشته باشیم"، باید حجت بر همه آنها که کوچکترین توهمی در باره اهداف اقتصادی او و دست های هدایت کننده اش در پشت صحنه داشتند تمام شده باشد. او برای رونق بخشیدن به تولید ملی، برای کاهش وابستگی ایران - حتی گندم و نان شب مردم- به خارج، برای سرمایه گذاری در روستاها و بخشیدن حیاتی دوباره به آنها و یا برای مقابله با باندبازی حکومتی و غارت مردم و کشور بر سر کار نیامد و بر سر کار نیآوردندش. اتفاقاً برای بلند کردن گرد و خاکی به میدان آمد که حاصل آن باید گم شدن این خواست های اساسی مردم ایران در هیاهوهای نوبتی او باشد. هیاهوهائی که ماجرای غنی سازی اورانیوم و اتمی شدن ایران بخش مهمی از آن بود. پشت این هیاهو سرکوب جنبش های پراکنده اجتماعی - از کارگری تا دانشجویی- و مقابله با هر نوع تشکلی که بتواند این جنبش های پراکنده را به هم وصل کرده و به سیلی بنیانکن تبدیل کند گسترش یافت. اتفاقاً آن موج بزرگی که می خواهد او را با خود ببرد همین مطالبات انباشته شده عمومی است که روز به روز بیشتر شده

و ما در جنبش های پراکنده اعتصابی، شورشی، تحصن و... ناظر آن هستیم. یگانه ریسمانی که در شرایط کنونی این جنبش های پراکنده را می تواند به هم وصل کرده و رفتن احمدی نژاد را با تحولی مثبت پیوند بدهد انتخابات آینده ریاست جمهوری است. آن نشانه های نزدیک شدن وحدت نظر در حاکمیت برای مرخص کردن احمدی نژاد می تواند در خدمت همین فرصت قرار گیرد و باید کوشید که چنین بشود.

چنین رویدادی را نباید دست کم گرفت، البته اگر بتوان آن را در پیوند با شکست حاکمیت طالبانی در ایران، شکست سیاست جنگی و حاکمیت نظامی- امنیتی دید. یعنی پایان چهار سال تجربه تلخ حاکمیت آن مافیائی که از بدو تاسیس جمهوری اسلامی در اندیشه سازماندهی رسوخ خود در مهم ترین ارگان های نظامی و امنیتی برای رسیدن به حاکمیت بود و همچنان نیز بیم آن می رود که برای بقای خود در حاکمیت دست به ماجراجوئی های نظامی و امنیتی چه در داخل و چه در خارج از کشور نیز بزند.

شکست این حاکمیت و آغاز بازگشت از مسیری که در چند سال گذشته طی شد، خواه نا خواه پیامدهای مهم دیگری نیز خواهد داشت که در راس همه آنها، ضربه به برج و باروئی است که رهبر جمهوری اسلامی برای خود ساخته و تمرین سلطنت و هدایت یک تنه کشور می کند. یعنی همان کانونی که اگر چنین ماهیت و نقشی را در جمهوری اسلامی پیدا نکرده بود، شاهد فاجعه حاکمیت مافیای حجتبه بر سرنوشت انقلاب 57 نبودیم.

بدین ترتیب، بحث نه فقط بر سر رفتن احمدی نژاد، بلکه بر سر تحولاتی است که با رفتن او باید آغاز شود و بدلیل همین وسعت نتایج این رفتن است که انتخابات آینده ریاست جمهوری و خیز بزرگ و ملی برای بیرون کشیدن وی از کاخ ریاست جمهوری حساس تر و سرنوشت ساز تر از تمام دوره های گذشته انتخابات ریاست جمهوری است. این انتخابات، انتخابی است میان سیاست جنگی و سیاست صلح آمیز. سیاست آشتی ملی و سیاست تقابل ملی. سیاست بسیج عمومی برای دفاع از میهن در برابر سیاست سنگر بندی در لبنان و عراق. سیاست رسیدن به دستاوردهای صلح آمیز اتمی و سیاست ماجراجوئی اتمی و برباد دادن همه آنچه بدست آمده است. سیاست تقویت تولید ملی و سیاست فروش و غارت نفت و وارد کردن هرآنچه در داخل می توان تولید کرد. سیاست سرکوب با چماق ارتجاع مذهبی و سیاست آزادی و آگاهی ملی....

چنین تحولی نه تنها در داخل حاکمیت هنوز و علیرغم نزدیک شدن به وحدت نظر برای مرخص کردن احمدی نژاد با مقاومت های جدی همراه است، بلکه از خارج کشور نیز دست هایی در کار است- تا حد برپائی یک جنگ منطقه ای و یا حمله نظامی بصورت عملی و یا بصورت جنگ روانی- تا چنین نشود. این دست ها می کوشند تا ایران همچنان بعنوان مشکل و لولوی منطقه باقی بماند تا وحدت و اتحاد نظامی اعراب و اسرائیل برای مقابله با آن شکل قطعی به خود بگیرد. امریکا در راس دست های خارجی قرار دارد که بدنبال این هدف است. با این نگاه به تحولی که باید رفتن احمدی نژاد با آن در پیوند قرار بگیرد تا این رفتن همراه با تغییرات در حاکمیت و سیاست های حاکم بشود، اهمیت انتخابات آینده ریاست جمهوری بیش از پیش برجسته می شود. آنچه را که ما براساس قرائن و شواهد پیرامون آینده احمدی نژاد درک می کنیم، با گشایش مجلس هشتم و صف آرائی ها در این مجلس اشکال علنی تر و آشکار تر به خود خواهد گرفت. به همین دلیل نقش فراکسیون مخالف سیاست نظامی حاکم و طرفداران اصلاحات و تحولات در ایران مهم تر از مجلس هفتم است. فراکسیونی که در اقلیت است، اما همانگونه که در جریان کارزار اولیه انتخابات مجلس هشتم تاکید کردیم، این فراکسیون، حتی اگر یک بانگ در مجلس باشد، باید خود را نماینده اکثریت جامعه تلقی کند و با این پشتوانه در مجلس سخن بگوید.